

شنبه؛ شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

نشست هجدهم فقه پزشکی؛ پرونده نهم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة وليا وحافظا و قائدا و ناصرا و دليلا و عينا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طويلا

پرونده نهم: ازاله بکارت؛ پاسخ به سوال سوم

سوالاتی مختلفی شده بود:

یک سوال: تعلق ارش البکاره برای زنی که با رضایت حاضر به زنا می شود؛

سوال دوم: محاسبه ارش البکاره بود

سوال سوم: حکم ازاله بکارت به غیر مقاربت؛ با وسائلی؛ چه توسط شوهر یا غیر شوهر که بحث ما غیر شوهر است.

راجع به سوال اول ما به یک نتیجه ای رسیدیم و آن: اگر خانم بالغ و عالم به زوال بکارت باشد و راضی به زنا باشد، مهري طلبکار نیست و ارش البکاره هم ندارد ولی اگر مطاوع نباشد و بالاجبار باشد، یا غیر بالغ باشد و بچه باشد، یا مثلا ضعف فکری دارد دلیلی برای خروج از قاعده نداریم.

در مقابل اثبات و نفی مطلق که جزء اقوال بود؛

سوال دوم در یکی از جلسات بود که ارش البکاره را چگونه حساب می کنند؟ آیا سراغ کارشناس می روند و می گویند شما قیمت گذاری کن....

اختلاف بود... به خاطر اختلاف روایت طلحة بن زید و عبدالله بن سنان قائل شدیم به این که ارش البکاره مساوی با مهر المثل است.

از چند سوالی که به بهانه پرونده نهم مطرح کردیم، دو سوال را گذرانیدیم و امروز می خواهیم سوال سوم را زیاد در دادگاه ها مطرح شده و آن هم حکم آسیب به بکارت یک دختر به غیر دخول آلت تناسلی است

..

پزشک بکارت دختری را از بین برده یا کسی با انگشت یا وسیله از بین برده یا معلم ورزش مراعات نمی کند و با یک نوع ورزش خاص باعث ازاله بکارت می شود، آیا این مصداق ازاله بکارت هست؟

دوستان شما در مرکز تحقیقات قوه قضاییه در قالب سوال این را از مراجع پرسیدند.

سوال این است : اگر ازاله بکارت دختر با انگشت، یا شیئی صورت گیرد، حکم ارش البکاره چیست؟ آیا رضایت یا عدم رضایت دختر تاثیری دارد؟

آن چه ما از مراجع داریم، ما به سه نظر می‌رسیم؛

نظر اول: علیه مهر المثل ؛

علیه یعنی علیه یا علیها باشد کسی که باعث ازاله بکارت شده است.

حتی اگر دختر راضی به این کار بوده است. مثلا در مساحقه دختر حامل شد و باعث ازاله بکارت شد.

مرحوم آقای تبریزی دارد؛ اذا ازال غیر الزوج بکاره المرأة باکراهها بالوطی او بغیره فعلیه مهر المثل و کذا علیه مهر المثل اذا ازال بکارتها باصبغه و ان کانت راضیه

آن سوالی که شده بود اگر با شیئی ازاله بکارت کند، حکم او چه می‌شود؟ حکم رضایت یا عدم رضایت زن فرقی می‌کند یا نه ؟ جواب این فقیه این است که فرقی نمی‌کند. پس هر کس باعث ازاله بکارت دیگری شود، فعلیه مهر المثل...

این جا ممکن است این نکته به ذهن متبادر شود که ما قبلا می‌گفتیم ، بغی مهر ندارد.... لا مهر لبغی

این جا بحث زنا نیست ؛ بحث عدم زنا است....البته ممکن است این عمل علی وجه حلال باشد ؛ مثل عمل جراحی یا ممکن است علی وجه حرام باشد، مثل کسی که با انگشت ازاله بکارت کند، البته باز این جا چرا مهر المثل؟....ممکن است بگوییم آن قانون کلی حاکی از این است که اگر دیه دارد باید دیه پرداخت شود، اگر دیه ندارد باید ارش پرداخت شود.

سوال این است که چرا این جا به ارش اشاره نشده مثل آقای تبریزی که البته نظر خودمان را که بیان کنیم مشخص می‌شود.

نظر دوم، آیت الله فاضل لنکرانی قدس سره : ارش البکاره ثابت است و رضایت هم تاثیری ندارد.

نظر اول می‌گوید مطلقا ازاله بکارت اگر شد ، مستحق ارش البکاره هست...حالا ارش البکاره یا مهر المثل باشد یا هر چیزی

نظر دوم، تفصیل می‌دهد، بین اکراه و عدم اکراه و می‌گوید: اگر با رضایت دختر است... و یا بدون رضایت او .

از آیت الله سیستانی تا آیت الله صافی و مرحوم آقای اردبیلی این نظر را داده اند؛ تفاوت بین اکراه و غیر اکراه.

به گمان من چون استدلالی در کار نیست و در واقع جمع فتوا است؛ باعدم اکراه و خود زن اقدام کرده است ؛ قانون اقدام مقدم بر ارش و دیه است...

کسی خود اقدام کند، آیا باز هم باید معتقد باشیم طرف مقابل ضامن است؟

اما اگر اکراه باشد ، در واقع اقدام نکرده است؛ و اقدام نکرده و می رود در قانون عام که هر کس به کسی زخمی بزند، ضامن است. شارع اگر حد را معین کرده است، همان است و الا ارش تعلق می گیرد. یعنی این نظر می تواند طبق قاعده باشد...

در خصوص نظر سوم: آقای صافی و آقای مکارم این ها بین بالغ و غیر بالغ تفصیل داده اند و در غیر بالغ رضایت بچه گفته اند کلا رضایت است همین طور که لفظش کلا انشا است. ...

قول سوم ترکیبی است؛ بچه که می گوید؛ چون قول بچه اعتباری ندارد در مقابل زانی و آن قانون عام فی کل جنایة دية او ارش نسبت به بالغ هم که می گوید اگر راضی بوده است که خود راضی بوده و اقدام کرده است؛ مثل پزشکی که با رضایت خود دختر او را عمل می کند. اما در فرض غیر مطاوعه ، وقت اکراه

این ها مبنای اقوال بود؛ اقوال هم برای خود مبنا دارد.

قول اول می گفت: علیه مهر المثل حتی اگر دختر راضی باشد.

ممکن است دختری راضی به این کار باشد اما نمیدانسته که به این مرحله می رسد...

فکر می کرده با انگشت یک لذتی می برد ولی لطمه نمی بیند، شاید قبلا هم این کار را انجام داده اما لطمه ندیده است.

رضایت اقدام کاری با یک شی اقدام به لوازم لا ینفک مورد توجه هست اما اقدام بشی ، اقدام عوارض مقارن ، آن هم در فرض عدم توجه نیست.

یک سوال و دو نظر:

اگر ازاله دختری با شیئی صورت گیرد، لا تستحق ارش البکاره الا مع الرضا (نظر رهبری)

نظر آیت الله سیستانی: در صورت اکراه مستحق مهر المثل است .

که معنای آن ، این است که اگر اکراه نباشد ، مستحق مهر المثل نیست. (بالغ یا غیر بالغ)

بحث این است که رضایت به ازاله بکارت ، رضایت به مجانیت کار نیست.

ما نوشتیم به نظر می رسد بتوان به اطلاق معتبره طلحه بن زید وابن سنان تمسک کرد؛ و اندیشه ضمان مهر المثل را در فرض سوال تقویت کرد.

دو مساله هست؛ ضمان و مهر المثل .

نظر آیت الله تبریزی و فاضل را یادداشت کردم ؛ گفته اند که ازاله با انگشت زنا نیست

طبق قاعده یا باید بگوییم ارش و ما ارش البکاره را به حکم دو روایت گفتیم دلیل خاص داریم مهر المثل....

ممکن است به ذهن شما برسد که ما بین بچه و غیر بچه فرق نمی گذاریم یا بین دختری که می داند چه به سر او دارد می آید با دختری که نمیداند....

الزام و رضایت به کار معنای آن، اسقاط حق و رضایت به مجانیت نیست.

این دختر این قدر گیج و یا غرق در شهوت است که راضی میشود چنین کاری با او صورت گیرد.

دو روایت در این باره

طلحه بن زید می گوید: عن جعفر عن ابیه عن علی علیهم السلام : اذا اغتصب الرجل امة (مردی کنیزی را غصب کند فاقترضها (او را ازاله بکارت کند) فعلیه عُشرُ قیمتها (یکدهم قیمت کنیز) اما ان كانت حرة فعليه صداق (مهرش را باید بپردازد) .

این جا صحبت از مهر المسمی نیست و می شود مهر المثل

اولا ضامن است ثانيا :مهر المثل یا همان ارش البکاره که گفتیم.

این جا هم که گفته : اغتصب؛ نگویند احتمالا متضمن اکراه است؛ بحث این است که الغصب ؛ قسمان ؛ با رضایت کنیز؛ بدون رضایت

و صحیحه ابن سنان:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: جعلت فداک؛ ما علی رجل وثب علی امرأة (مردی بر زنی می جهد و سر او را می تراشد) و حلق رأسها ... امام فرمودند: یضرب ضربا وجیعا (کتک مفصلی که باید بخورد) و یحبس فی سجن المسلمین حتی یستبرأ شعرها (و حبس شود در زندان مسلمین تا زمانی که آن خانم سرتراشیده موهایش بیرون بیاید و رشد کند ... تا این جا که فرمودند: با ابن سنان ! ان شعر المرء و عذرتها شریکان فی الجمال (زن به دو چیز زیباست ؛ مو و پرده بکارت) فاذا دُهب باحدهما وجب لها المهر کمالا (اگر یکی از این دو زائل شد باید مهر کامل به او داده شود).

یادتان باشد ما شبهه ای را مطرح کردیم ؛ گفته شد در گذشته مهر زنها کم بود؛ کاری به تورم و این ها نداریم..

در سبد کالایی آن ها مهر زنها را کم لحاظ می کردند.

در استفاده از سیره و نصوص لحاظ اقتضائات زمان و مکان بسیار کار ظریفی است. اگر نادیده گرفته شود؛ شیوه همین شیوه سنتی خواهد بود البته ممکن است برخی نسبت به این حرف موضعگیری کنند و از سویی هم بخواهید رویکرد ژورنالیستی و پوپولیستی داشته باشید ؛ عامیانه وبدون انضباط این مسیر طی خواهد شد؛ مهم این راه وسط است که بسیار دشوار است.

مثلا در بحث دیه انسان که شتر و حله مبنا قرار گرفته ؛ ما موضع گیری می کنیم و معتقدیم باید اقتضائات زمان و مکان مد نظر قرار گیرد در قضیه مهر المثل و ارش هم شاید تا این اندازه موضعگیری نداشته باشیم اما باز حرف وحدیثهایی هست.

جمع بندی

سوال شده بود؛ ازاله بکارت به غیر نزدیکی چه حکمی دارد؟

سه تا نظر بیان شد؛ نظر اول را تقویت کردیم و مبنای آن هم، اطلاق دو روایت بود.

البته پرونده باز باشد اگر کسی می خواهد کار کند، جای کار دارد.

سوالاتی متعدد باز مطرح شده از جمله این که پرده بکارتی که آسیب دیده اما بعدا خود ترمیم می شود ، داستان آن چه می شود و یا سوال پنجم این خواهد بود: آیا ترمیم بکارت جایز است؟

و سوالی دیگر براین اساس مطرح می شود که حکم پول پزشکی چه می شود؟

دختر این کار را انجام می دهد که بعدا به عنوان بکر ، ازدواج کند؛ بحث تدلیس چه میشود؟

به هر حال باید پرونده این کار را امسال ببندیم.